

نماند کرد و در عا شقان هر حلقه دریا  
 ز وحدت باز با وحدت بود یکی بر یکی  
 ز بی بهیت ز تفصیل حست چنان  
 ز رویت آینه آفتاب تمنائی  
 زارتت من حضور بهت خلوت  
 گرفتن از کجی صحبت کلاب حوت  
 نکست تزلزل کوشش ز آب آهنگی  
 بیکیاوی یکی بکاسه طنبور میزینگی  
 فغان زد بپنجلا که خود این مردم  
 حنا سود که بدست غنچه بر روی  
 طالب که وصار طلب کار شود  
 از خودی اگر رود هم بار شود  
 کرفظ بسو دایره کرد در مایل  
 آید محیط خط هر کار شود  
 بار شد خم باده مشرق خنجر ز  
 مینای بلور صدف کو هر ز  
 کس نیست به بزم باده بیگار کس  
 ساقی پسر ز رت می دختر ز  
 شوکت آن مرغ آتشین گفتارم  
 کز عشق بدل شکسته چیدین خاتم  
 از ناله آتشین بگلزار جبران  
 چون فخر کلاه دلخ شکست مقام  
 پیش دو جهانم و کی خوشیتم  
 خورشید جهان در سینه خوشیتم  
 آنم که همچو صورت دور نما  
 خورشیدم و بزرگ عالم خوشیتم  
 قطعه

قطع نظر از مرده ای که کن  
 چند خود را یک خلق کن  
 هم صحبت دیو در شو با کلام  
 اما خدرا مردم نام مردم سخن  
 عارف که بود راستین جاده راه  
 سوز از کسرت بر وحدت آگاه  
 صد سجده بخط مستقیم است ولی  
 یک سجده نماید مجادیت نگاه  
 ای از تو هزار نقش بر صفی کن  
 سیر کل ز تو داما و کتا کلین  
 هر ذره کف از تو کفین دارد  
 نقشش همه کی لیس کشند بری  
 یاد تو زب بروی ز در جاجه زین  
 پیداست راهی بدلی چا بوی  
 از بس خط از  
 زیر کتبین پروان زد  
 راه است که نام  
 او چون نفس لکین  
 تمام شود یوان شوکت در مکه مکرمه  
 و در مدرسه محمد یاد  
 و از درت فقیر حقیر نیاز محمد مجاری  
 غوالده ذنوبه  
 و ذنوب جمیع المؤمنین و المؤمنات  
 و صلوات الله علیهم  
 محمد و آل و اصحابه اجمعین  
 بتاریخ بیت یکم ذوالقعدة  
 ۱۲۴۲  
 هر که خواند دعا طبع دارم  
 زانکه من بنده کنه کارم

جامع کتب  
 کتابخانه  
 دانشگاه تهران  
 شماره ثبت  
 ۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰  
 شماره قفسه  
 ۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰